

مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید

(ویراسته جدید ، با اضافات و اصلاحات)

توشیهیکو ایزوتسو

فریدون بدره‌ای



Izutsu, Toshihiko.

ایزوتسو، توشیهیکو

سرناسه

مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید / توشیهیکو؛ ترجمه فریدون بدره‌ای.

عنوان و نام پدیدآور

: [ویراست ۲] .

وضعیت ویراست

تهران: نشر فرزاد روز، ۱۳۷۸.

مشخصات نشر

پنجاه و چهار، [۵۲۲]ص.

مشخصات ظاهری

۴- ۳۸- ۶۱۳۸- ۹۶۴- ۹۷۸

شابک

ع.ع. زبان اصلی: Toshihiko Izutsu. The structure of:

یادداشت

meaning in ethico-religious concepts in Quran

: چاپ قبلی: قلم، ۱۳۶۰.

یادداشت

: چاپ دوم: ۱۳۸۶ (فیا).

یادداشت

: کتابنامه به صورت زیرنویس.

یادداشت

: قرآن - اخلاق.

موضوع

: دین و اخلاق.

موضوع

: اخلاق اسلامی.

موضوع

: بدره‌ای، ۱۳۱۵ - مترجم

شناسه افزوده

۱۳۷۸ ۹۷م/الف/۳/۱۰۳ BP

رده بندی کنگره

: ۲۹۷/۱۵۹

رده بندی دیویی

: ۷۸-۲۴۹۰۵

شماره کتابشناسی ملی



کتابخانه

مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن مجید

(ویراسته جدید، با اضافات و اصلاحات)

نویسنده: توشیهیکو ایزوتسو؛ ترجمه: فریدون بدره‌ای

چاپ اول: ۱۳۷۸؛ چاپ چهارم: ۱۳۹۸؛ تیراژ: ۸۰۰ نسخه؛ قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان

ناظر چاپ: مجتبی مقدم؛ طراح جلد: علی بخشی

حروف نگاری: گوهر؛ لیتوگرافی: لاله؛ چاپ و صحافی: تاجیک

تمامی حقوق این اثر محفوظ است

تکثیر یا تولید مجدد آن کلی و جزئی به صورت (چاپ - فتوکپی - صوت - تصویر و انتشار الکترونیکی)

بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع و موجب تعقیب قانونی خواهد بود.



میدان ونک، خیابان گاندی شمالی، پلاک ۹، واحد ۱۰

تلفکس: ۸۸۸۲۲۴۷ - ۸۸۸۲۲۴۹۹ - ۸۸۶۷۹۴۴۳

صندوق پستی: ۱۹۶۱۵/۵۷۶

E-mail: info@farzanpublishers.com

www.Farzanpublishers.com

ISBN: 978-964-6138-38-4

شابک: ۴- ۳۸- ۶۱۳۸- ۹۶۴- ۹۷۸

بحشی در زبان اخلاقی قرآن

ندمه

در مدت چهارده قرنی که از نزول قرآن کریم می‌گذرد این کتاب عظیم علاوه بر اینکه در زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان مهمترین تأثیر را داشته، سرچشمهٔ برکات بزرگ علمی نیز بوده است. علاوه بر علوم ادبی و بلاغی زبان عربی و علوم نقلی اسلامی که بدون قرآن تصور وجود آنها امکان‌پذیر نیست، علوم عقلی اسلامی نیز همواره از آبشخور این کتاب مبین سیراب شده‌اند، و کلام الهی، همچون دریایی نامتناهی، هر جویبار فکری را که وارد فرهنگ اسلامی شده در خود جذب و حل کرده و از این امتزاج شاخه‌های گوناگون معارف اسلامی پدید آمده است.

امروزه از یک‌سو توجه مسلمانان به قرآن جان تازه‌ای گرفته و از سوی دیگر بسیاری از افراد غیرمسلمان، به هر دلیل که هست، به تحقیق و تتبع در این کتاب می‌پردازند. هرچند هیچ‌کس بیش از اسلام‌شناسان مسلمان اهلیت و صلاحیت و وظیفه ندارد که دربارهٔ اسلام و قرآن سخن بگوید. این امر نباید مانع از آن شود که ما به کار دیگران هم توجه کنیم، بویژه که این دیگران به ابزارهای نظری و روشهای جدیدی مجهزند که آشنایی با آنها شاید برای ما نیز دریچه‌هایی تازه‌ای به روی دنیای ناشناختهٔ قرآن بگشاید و در تجدید جیات علوم و معارف اسلامی و بازنگری در این علوم از دیدگاههای نو، مؤثر افتد.

آقای دکتر فریدون بدره‌ای با ترجمهٔ کتاب ساختمان معنایی مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن خدمت شایسته‌ای به عالم قرآن‌شناسی کرده است و نویسندهٔ این مقاله امیدوار است که این نوشته به عنوان مقدمه‌ای بر این کتاب برای علاقه‌مندان سودمند باشد و بر فایدهٔ کتاب بیفزاید.

مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن

۱. دوروی سکه شرف شناسی

آشنایی ژاپنیان^۱ با فرهنگ و تمدن اسلامی چندان دیرینه نیست. در حالی که بیش از هشت قرن از نخستین ترجمه قرآن به زبانهای اروپایی می‌گذرد، ترجمه قرآن از زبان عربی به زبان ژاپنی اولین بار در سال ۱۹۵۷ میلادی و به دست همین ایزوتسو انجام گرفت^۲. در واقع شخص ایزوتسو از اولین کسانی است که در معرفی اسلام به ژاپنیها کوشیده است، هرچند تعدادی از آثار مهم او به زبان ژاپنی نوشته نشده است.

ایزوتسو با کارهای شرق شناسان و اسلام شناسان دیگر بخوبی آشناست و در این کتاب در موارد بسیار دین خود را به آنان اظهار می‌کند، با این حال رهیافت او به قرآن حاکی از رفتار محتاط کسی است که می‌خواهد الفبای زبان قرآن را فرا بگیرد. این خصیصه را می‌توان تا حدودی معلول جوانی اسلام شناسی در ژاپن دانست، اما شاید دلیل عمده تر آن این باشد که فرهنگ ژاپنی، و اصولاً فرهنگ خاور دور، کمتر با فرهنگ سامی و با ادیان سامی تماس داشته و اصولاً در مسیر اصلی حرکت فرهنگ غربی قرار نداشته است. آن خطی که آتن را به نیویورک می‌پیوندد، و از اسکندریه و بغداد و نیشابور و رم و فلورانس و پاریس و برلن می‌گذرد، هرگز به ژاپن نرسیده است. در دوران دوهزار و چند صد ساله‌ای که مراکز تمدن و فرهنگ در این سوی جهان یکی پس از دیگری سر برمی‌آوردند و فرو می‌مردند، ژاپن سردر لاک خود فرو برده بود و در گوشه پرتی از جهان، نزدیک قطب شمال، دور از چشم جهانیان در کشمکش با طبیعتی ترشرو و سختگیر و در کشاکش جنگهای

۱. در مورد ژاپن امروز مطالعه دو کتاب زیر سودمند است:

هرمان کان، ژاپن، ترجمه سروش، حبیبی، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۸.

مسیح مهاجری، اسلام در ژاپن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، آذر ۱۳۵۸.

۲. اولین ترجمه قرآن به ژاپنی (از انگلیسی) در سال ۱۹۲۹ چاپ و منتشر شد. ترجمه ایزوتسو (چهارمین ترجمه قرآن به ژاپنی) اولین ترجمه قرآن از عربی به ژاپنی است. و در سال ۱۹۵۷ در سه جلد به چاپ رسیده است. (مسیح مهاجری، همان کتاب، ص ۱۳۸-۱۳۹).

بحشی در زبان اخلاقی قرآن

خونبار داخلی به زندگی دشوار خود ادامه می‌داد.

غریبان تاریخ را به صورت یک خط مستقیم می‌بینند، و از این رو خود را وارث بحق همه تمدنهای گذشته، که در امتداد این خط قرار دارند، می‌پندارند. از لحاظ بینش نوعی غربی، تمدن غربی اگر همه تمدنهای گذشته را نسخ نکرده باشد، باری «نفی دیالکتیکی» کرده است، یعنی آنها را در خود مستحیل ساخته و از آنها فراتر رفته است. آنچه در امتداد این خط قرار نداشته باشد که اصلاً شایستگی نام تمدن را ندارد! پس به مصداق چون که صد آمد نود هم پیش ماست، تمدن غربی آنچه خوبان همه دارند، به تنهایی دارد.

از این لحاظ تمدن اسلامی هم یکی از حلقه‌های این زنجیر است و رسالت و نقش آن جز این نبوده است که میراث یونانی و یونانیسمی را از دستی بگیرد و از دستی دیگر به اروپای قرون وسطی بسپارد. برای تمدن اسلامی چه افتخاری بالاتر از این که یکی از پلهای پیروزی تمدن غربی باشد؟ بدین دلیل، بیشتر محققان غربی به تمدن اسلامی به چشم جزئی از تاریخ خودشان نگاه کرده و می‌کنند، جزئی که اکنون مرده یا کهنه و فرسوده شده است و ترکیب بهتری جای آن را گرفته است. از نظر اینان، پرداختن به تمدن اسلامی، یا هر یک از وجوه و جنبه‌های آن، در واقع نوعی حفاری و بیرون آوردن اشیاء عتیقه از زیر خاک است، و اسلام‌شناس باید با همان سختکوشی و وسواس و دقت و عینیت (ابژکتیویته) باستان‌شناس کار خود را دنبال کند. اما مشکل عمده بیشتر اسلام‌شناسان (و نوع شرق‌شناسان) غربی در این نیست که به اسلام و تمدن اسلامی به چشم چیزی مرده و گذشته می‌نگرند، بلکه در این است که علی‌الاصول خود را وارث این مرده می‌دانند؛ میان خود و آن یک نوع پیوستگی تاریخی می‌بینند؛ فلسفه و فکر و ایدئولوژی خود را با فلسفه و فکر و ایدئولوژی آن از یک سنخ می‌پندارند و تفاوت میان این دو را فقط تفاوت در درجات و مراتب و شدت و ضعف می‌شناسند؛ و این تمدن را مرحله‌ای از یک حرکت تکاملی می‌دانند که در نهایت خود به تمدن امروزی غربی رسیده است. اینان به گذشته یا امروز اسلام، به چشم گذشته خود نگاه

مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن

می‌کنند. به سخن دیگر، نوع نگرش اسلام‌شناسان غربی، در عین حال که نمایش ظاهری آن ابژکتیویسم حاد و صریح است، مبتنی بر یک سوژکتیویسم حاد و پنهانی است: یک روش واحد علمی وجود دارد که آن را می‌توان در هر زمینه‌ای به کار برد؛ چارچوب واحدی از مفاهیم وجود دارد که هر مفهوم دیگری فقط درون آن می‌تواند شکل بگیرد؛ همه مردم دیگر، علی‌الاصول، مثل ما می‌اندیشند، منتهی گاهی از لحاظ تاریخی عقبمانده‌تراند و فکرهایشان ناپخته‌تر؛ و قس علی‌هذا.

به عبارت دیگر، شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی سنتی غربی بر دو رکن عمده متکی است: اعتقاد به ابژکتیویته علمی و اعتقاد به تکامل تاریخی. اعتقاد به ابژکتیویته علمی ایجاب می‌کند که شرق‌شناس موضوع مطالعه خود را از بیرون و بدون هیچ‌گونه گزینش و پیشداوری بررسی کند، اما هر بار که او می‌رود تا بدین آرمان علمی نزدیک شود، اعتقاد به تکامل خطی تاریخ جلو دستش را می‌گیرد و او را ناگزیر به گزینش و امی دارد و یک پیشداوری بنیادی را در کار او وارد می‌کند.

گمان نباید کرد که اسلام‌شناسانی که بخصوص در دهه‌های اخیر به جنبه‌های «معنوی» اسلام توجه کردند همیشه از این خطر به سلامت جسته‌اند، سهل است، پاره‌ای از اینان از چاله به چاه افتاده‌اند، یعنی یا به جای رها کردن فکر تکامل خطی تاریخ به ابژکتیویته علمی پشت کرده‌اند، آن ابژکتیویسم سطحی را رها کرده‌اند تا به خیال خود به نوعی ابژکتیویسم عمقی برسند اما به دام یک نوع سوژکتیویسم عمقی دچار آمده‌اند، یا اینکه دست برداشتن از اندیشه تکامل خطی تاریخ را به معنای رها کردن هر نوع فکر تاریخی دانسته‌اند و به تمدن اسلامی به چشم تمدنی ایستا و بی تاریخ نگریسته‌اند که در یک دور بسته پیاپی تکرار می‌شود.

اگر اکثر اسلام‌شناسان در بررسی اسلام فقط مواردی را در نظر می‌گیرند که در سیر فکر غربی تأثیر داشته است، گروه اخیر بخصوص به آثار متفکرانی توجه می‌کنند که در سیر فکر غربی تأثیر نداشته‌اند. این کار، تا اینجا و به

بحشی در زبان اخلاقی قرآن

خودی خود، هیچ عیب و علتی ندارد، زیرا به هر حال هر کس ناگزیر است در حوزه کار خود گزینشی بکند. اشکالی که هست در این است که ایشان وانمود می کنند که راهنمایان در این کار چیزی جز خود این آثار متفکران نیست. اما این آثار و متفکران، هرچه هم پیچیده و غریب باشند، به یک کل بزرگتر تعلق دارند و آن فرهنگ اسلامی است که فرهنگی بی تاریخ نیست، بلکه تاریخی پر نشیب و فراز دارد. و اگر آنها را شتابزده از متن این فرهنگ و تاریخ جدا کنیم، یا ارزش و مقامی بیش از آنچه در این فرهنگ داشته اند به ایشان نسبت دهیم، کاری جز این نکرده ایم که پسند شخصی و زمینه های ذهنی خود را در مورد ایشان حاکم کرده ایم. اگر عموم اسلام شناسان یک تعبیر همگانی و عوام پسند غربی (و به گمان خود یک تعبیر همگانی علمی) از اسلام عرضه می کنند، آنچه از آثار گروه اخیر بر می آید یک تعبیر شخصی و خواص پسند غربی از اسلام است که دعوی شرقی و اسلامی بودن هم دارد.

۲. راه میانه

نویسنده در «دبیاچه» ای که بر کتاب نوشته، مبانی نظری کار خود را به تفصیل شرح داده است و ما به این مبانی در جای دیگری از این مقاله خواهیم پرداخت، اما در این دبیاچه نکاتی هست که مستقیماً به نظر او درباره عینیت علمی و تکثرگرایی تاریخی مربوط می شود. در جایی از این دبیاچه می گوید: «من کسی نیستم که بطور افراطی به نسیت گرایی تاریخی معتقد باشم» (ص ۴)، و پس از اشاره به نظر نول اسمیت که به وجود مشترکاتی در «نکته های عمده و اصولی در قوانین اخلاقی» قایل است، می گوید «در این مورد حق کاملاً با نول اسمیت است، و بر نظر او تا آنجا که از قوانین اخلاقی به صورت کلی و انتزاعی، و به دور از همه تفاوت های عقیدتی ناشی از واقعیات عینی، سخن می گوید ایرادی نمی توان گرفت. شاید در چنین سطح متعالی از تجزیه و انتزاع، طبیعت انسان در سراسر جهان یکسان باشد، و من منکر استقرار بعضی قوانین کلی اخلاقی که مشترک میان انسانها به لحاظ انسان بودن است، از این